نشریه مکتب احیاء، ۲(۲)، ۵۶-۵۹/ بهار ۱۴۰۳
https://doi.org/10.22034/2.2.56

نقطه‌نظر/نقد نظر

عمل‌زدگی و تعریف خردگریز از «شهر» در ایران

ناصر براتی[1*]
دانشیار گروه معماری، دانشکدهٔ معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۱/۱۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۵
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۳/۱۵

واژگان کلیدی
شهر، تعریف، شهرسازی، مدیریت شهری

چکیده

از زمان ورود جامعهٔ ایرانی به دوران به اصطلاح مدرن، شهرها در ایران مرکز توجه گروه کثیری از مردم و کارشناسان و حرفه‌مندان در داخل و خارج از کشور بوده است. شهرها در واقع به‌مثابه صفحهٔ شطرنجی بوده‌اند که از یک‌سو بازی بین مردم و حکومت و از سوی دیگر، کل جامعهٔ ایرانی با جوامع غیر ایرانی، به‌ویژه جوامع توسعه‌یافتهٔ غربی را رقم می‌زده‌اند. این بازی چهارسویه، در نهایت نتوانسته است منافع ملی ایرانیان را برآورده کند. ایران با سوابق بسیار طولانی در شکل دادن به فرهنگ و تمدن بشری، در دوران معاصر نه‌تنها در مقابل تمدن مدرن و توسعهٔ برون‌زای تحمیلی از سوی جامعهٔ سرمایه‌دار جهانی حرفی برای گفتن نداشته، بلکه نسبت به گذشتهٔ پرافتخار خود مسیری انحطاطی و رو به زوال و ابتذال را به‌طور مستمر در یک قرن اخیر طی کرده است. در این نوشتار انتقادی سعی شده است با مروری بسیار سریع و فشرده ضمن باز کردن برخی ابعاد پدیدهٔ وابستگی معانی و روشی «شهرسازی» در ایران، عوامل شکل‌گیری شرایط فعلی و راه‌حل احتمالی برون‌رفت از آن مورد بحث قرار گیرد.

* نویسندهٔ مسئول: ۰۹۱۲۳۱۵۷۳۸۲، nasserbarati1955@yahoo.com

This is an open access article disributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-07]
[DOI: 10.22034/2.2.56]

مقدمه

شهر را باید تعریف کرد؟ تعریف فعلی شهر چیست؟ مبنای این تعریف چیست؟ شهر را در ایران امروز چگونه می‌توان تعریف کرد؟

اهمیت شهرها به‌ویژه در جوامع امروزی بسیار فراتر از ظاهر فیزیکی آن‌هاست. شهرها ماحصل انباشتگی دانش و فرهنگ جوامع و صحنه‌ای واقعی از توان‌ها، هنرها، ظرفیت‌ها، سرمایه و هوشمندی‌های مردمان است. شهرها بازگوکنندهٔ بی‌پروای نحوهٔ چگونگی رابطه بین ساکنان و مدیران و مسئولانش هستند. همچنین هر شهری باید به‌وسایل مختلف و متفاوت نسبت خود را با جهان خارج نیز به نمایش می‌گذارد. با یک نگاه عمیق‌تر می‌توان به میزان زیادی به نقش و جایگاه هر شهری در نظام اقتصادی داخلی و خارجی نیز پی برد. پیچیدگی شگفت‌آور شهر ایجاب می‌کند که یک دستگاه عظیم برنامه‌ریزی، طرح‌ریزی و مدیریت فضای شهری در فرایندی پیچیده در مورد نحوهٔ مداخله و توسعهٔ همه‌جانبه و فراگیر آن تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری نماید. این در حالی است که در ایران، بنا به شرایط خاص، فرایند فوق تحت نام نامتعارف «شهرسازی» تنها از یک قالب صلب کالبدی برای مداخله و توسعه در فضاهای شهری استفاده می‌شود. قالبی که اینک تبدیل به زائدهٔ بی‌اهمیتی در ساختار طرح‌های عمران و معماری قرار گرفته است. بخشی که مشاوران عمران و معماری اصطلاحاً آن را «فاز صفر» نام‌گذاری کرده‌اند. قالب پیش‌ساخته‌ای برای جانمایی پروژه‌های ساختمانی و معماری، تقلیل دادن موضوع توسعهٔ شهری به قالب‌بندی کالبدی برآمده از پوزیتیویسم و ابژکتیویسم و سوگیری کالبدی و کمّی صرف، شهر را در ایران به‌کلی از جایگاه بایسته خود در طول تاریخ به‌نوعی خارج کرده است. اینکه چگونه به این‌جا رسیدیم و تبعات چنین شرایطی چه می‌تواند باشد، مسئلهٔ بزرگ «شهر و شهرنشینی» و مدیریت آن در این نوشتار است.

در این نوشتار، نقد متوجه موضوع بسیار مهم، تعیین‌کننده و حیات‌بخش «تعریف» و «تعریف شهر» است. این تعریف است که هر پدیده‌ای را در جهان مکشوف نموده، به آن تمایز و تشخص می‌دهد، ماهیت هر شیء یا پدیده‌ای را روشن نموده و عوامل سازندهٔ درونی و بیرونی آن را مشخص و عیان می‌سازد. در مورد شهر و فضای زیست شهری، تعریف علاوه‌بر وظایف فوق قادر است مبانی، روابط قدرت مؤثر، نحوهٔ تعامل بین انسان و محیط و نیز انسان با انسان در محیط و نیز روش برخورد، ساماندهی و مداخله در آن را مشخص می‌نماید. «تعریف» و مفهوم یک پدیده از دستاوردهای شگفت‌آور و معجزه‌آسای «زبان» هستند که در ادامه احتمال شکل‌گیری «گفتمان» و «گفتمان غالب» را فراهم می‌سازد. بدین ترتیب بزرگترین معضل و شکل عملی و نظری در حوزهٔ برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی و مدیریت فضاهای شهری در ایران در زمان حاضر، مشخص نبودن یا ناقص و حتی غلط بودن «تعریف» تعریف شهر است که معضلات بی‌شمار بعدی ریشه در آن دارند. در این مختصر به نقد تحلیلی «تعریف شهر در ایران» پرداخته می‌شود.

بدنهٔ نقد

از وقتی شهرها وارد دورانی شدند که بشر مجبور به دخالت آگاهانه در آن‌ها شد، مجبور شد آن را تعریف کند. این تعریف ماهیت خاصی را به شهرها نسبت می‌داد که براساس آن دخالت و برنامه‌ریزی و پیش‌بینی در مورد آن‌ها امکان‌پذیر می‌شد. رشته‌هایی مثل جغرافیا، اقتصاد، جامعه‌شناسی، سیاست، محیط‌شناسی و ... و ساختمان و معماری هریک از نقطه‌نظر خود تعریف‌های متفاوتی را از شهر ارائه دادند. خاصیت این تعاریف آن بود که شهر را به‌طور کلی در حوزهٔ دانش و فلسفهٔ مورد نظر آن رشته‌ها، بازتولید می‌کرد به‌نحوی که می‌شد از دیدگاه خاص آن حوزه، در شهر مداخله کرد، در مورد آن اظهار نظر نمود، ایرادات احتمالی آن را یافت و برای رفع آن معایب، راه‌حل ایجاد کرد.

در ایران به‌طور خاص تعریف مرتبط یا برآمده از رشته‌های ساختمان و معماری بر دیگر تعاریف پیشی گرفت. این امر باعث شد که روایت و خوانش خاص معماری، که به‌طور طبیعی بر جنبهٔ فیزیکی و کالبدی شهر اشاره داشت و بر آن اصرار می‌ورزید، بر دگر خوانش‌ها چیره شود. به مرور زمان این گرایش به بازخوانی شهر، پارادایم و چهان‌بینی خاص خود را نیز به همراه آورد. سازمان مسکن و بعدها وزارت آبادانی و مسکن که بعداً به وزارت مسکن و شهرسازی تغییر نام داد دنباله و دستاورد همان نگاه کالبدی به شهر بودند. برای رشته‌های راه و ساختمان (بعدها عمران) و معماری آنچه در شهر به چشم می‌آمد و ارزش و اهمیت داشت، همانا ساختمان‌ها، سازه‌ها و شبکه‌ای بود که آن‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دادند. ولی حرفه‌مندان ساختمان و بنا، در شهرهایی که به‌سرعت

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-07]

[DOI: 10.22034/2.2.5]

در حال گسترش بودند، نحوهٔ نحوهٔ پخشایش و چیدمان ساختمان‌ها و عملکرد آن‌ها نیز اهمیت داشت و وقتی این رویکرد با نظام سیاسی-مدیریتی به‌شدت تمرکزگرا در ایران همراه و هم‌پیوند شد، هستهٔ اولیه یک ایدئولوژی و خوانش شکل گرفت که طبق آن همهٔ شهرها باید در قالب و چارچوب بسیار بسته‌ای که در مرکز و به تقلید از نوع غربی آن تدارک دیده شده بود، انطباق یابند. این مسیر به‌سرعت تبدیل به یک ریل‌گذاری بسیار دگم و غیرقابل انعطاف شد که ظاهراً باید تا ابد ادامه می‌یافت. برای برقراری نوعی تداوم پایدار برای این طرز فکر می‌بایست بسیاری تعاریف و مفاهیم و مقررات و نیز نهادهای مرتبط، انطباق لازم را پیدا می‌کردند. البته در یک نظام تصمیم‌گیری متمرکز این امر هم ممکن بود و هم ضروری و غیرقابل اجتناب. بدین ترتیب ساختار وزارت مسکن و شهرسازی (بعد از انقلاب راه و شهرسازی)، شهرداری‌ها، دفاتر استانداری‌ها، دانشگاه‌ها، جامعهٔ حرفه‌ای و مشاوران معماری و بقیه عناصر همگی در طول زمان با جهان‌بینی فوق کاملاً هم‌نوا و همراه شدند. شهر ایده‌آل و آرمانی قالبی کلیشه‌مانند پیدا کرد که همهٔ نهادهای مرتبط موظف شدند تا آن را بر روی همهٔ شهرهای ایران بدون توجه به تفاوت‌های آن‌ها، تحمیل کند.

حرکت و اقدام بعدی آن بود که این دستگاه عریض و طویل، ضمن پافشاری مستمر بر این رویکرد، اجازهٔ ورد نظریات، روش‌ها و جهت‌گیری‌های دیگر را به هیچ عنوان ندهد. به‌طوری‌که این شکل از برخورد با نحوهٔ مداخله و شهرها، تحت عنوان «شهرسازی» برای دهه‌های طولانی همچنان دست‌نخورده باقی ماند. تا جایی که حتی یک انقلاب عظیم نیز نتوانست تأثیری در بقای آن داشته باشد. البته در سال‌های گذشته رشته‌هایی چون اقتصاد و جغرافیا و علوم اجتماعی بارها سعی کردند با اتکا به تحولاتی که در این عرصه در کشورهای توسعه‌یافته روی داده بود مسیر توسعهٔ فضاهای شهری را از نگاه دگم و بستهٔ جاری تغییر دهند ولی شبکهٔ عظیم شکل‌گرفته، امکان این عمل را نداد. به‌خصوص آن‌که دستگاه سیاسی و مدیریت اجرایی کشور هم به‌شدت از این روند نزدیک به یک‌صد ساله حمایت می‌کند و منافع خود را به آن گره زده است.

عجیب آن‌که با آن‌که معماری خود هویت و توان و ظرفیتش را از تنوع بی‌انتهای طرح‌ها و فرم‌های ابداعی و خلاقانه جستجو می‌کند و می‌آفریند، ولی در مورد شهرها که در مقابل یک ساختمان یا حتی مجموعه‌ای از ساختمان‌ها بسیار پیچیده‌تر و به‌طور بالقوه متنوع‌تر و متفاوت هم هستند، از چنین رویکردی برای مداخله در فضاهای شهری با همهٔ وجود دفاع می‌کند و حاضر به تغییر در این روش و منش و رویکرد نیست. در حالی‌که این دگماتیسم و جزم‌اندیشی و ارتجاع فکری بر شهرسازی ایران حاکم است، اما در جهان تحولات بسیار عمیق فکری و فلسفی و نظری در حوزهٔ شهرسازی به‌وقوع پیوسته است.

نتیجه‌گیری

تعریف «شهر» در قالب‌های جاری، تقریباً غیرممکن است. رشته‌های مختلف در به بند کشیدن و کنترل فضاهای شهری، با تعاریف انتزاعی که از نقطه‌نظر خود مطرح کرده‌اند، کاملاً ناموفق ظاهر شده‌اند. هیچ قالب مفهوم‌گذاری هژمونیکی نتوانسته و نمی‌تواند در قالب‌های قدیمی، شهر را زیر سلطهٔ خود درآورد و درب نقد را بر دیگر رشته‌ها، گرایش‌ها و منویات بندد. در ایران با توجه به تاریخچهٔ «شهرسازی مدرن یا شبه مدرن» در حال حاضر به یک «ضد تعریف» رسیده‌ایم. در واقع اینک جریانات برعکس عمل می‌کنند.

تعریف اینک عبارت است از منافع مدیران شهری در قدرت، به‌علاوهٔ منافع سرمایه‌داران نوکیسه و نیز منافع گروهی که خود را معمار-شهرساز می‌دانند. نقطهٔ برخورد این سه طیف به اقدامات ساخت‌و ساز و رشد کالبدی شهرها شکل می‌دهد و دامن می‌زند. این شکل از تفسیر از «شهر» و مداخلات برآمده از آن در واقع قدمی بزرگ و قابل ملاحظه در جهت اهداف و گرایش‌های «نواستعماری» متصل به نظام سرمایه‌داری جهانی است. زیرا ماحصل چنین شرایطی «حسرت بی‌پایان» شهرنشینان در کشور ماست که همواره شرایط نامتعادل، آشفته، بی‌هویت و بی‌کیفیت شهرهای خود را با فضاهای متناظر در کشورهای توسعه‌یافته و عمدتاً غربی مقایسه می‌کنند. این پدیده مسلماً در جهت منافع جامعهٔ سرمایه‌داری غرب است که نیاز دارد ایران جامعه‌ای نفتی، به‌شدت مصرف‌گرا به‌شدت آرزو به دل و دارای تمایلات بسیار شدید گرایش به غرب داشته باشد. اگر جامعهٔ ایران روزی بیدار شود و بخواهد به خود بیاید و بخواهد از این تله و دام خودساخته رهایی یابد، شاید راهی نداشته باشد چون پذیرش این موضوع که شهر قابل تعریف نیست و با شرایط سیاسی موجود اصولاً تعریف از شهر گرایش به نوعی از «ضد توسعه» دارد. صلاح آن است که شهر را حاصل تعامل معقول «گفتمان»های مختلف و متفاوت و

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-07]

[DOI: 10.22034/2.2.56]

گاه متضاد بدانیم و بر این اساس به شناخت مجدد شهرها همت گماشته و در این مسیر جدید فرایندهای مداخله و توسعه در فضاهای شهری را شکل دهیم.

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-07]

COPYRIGHTS
Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Revitalization School journal. This is an open access article disributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

نحوهٔ ارجاع به این مقاله
براتی، ناصر. (۱۴۰۳). عمل‌زدگی و تعریف خردگریز از «شهر» در ایران. *مکتب احیاء*، ۲(۲)، ۵۶-۵۹.

DOI: https://doi.org/10.22034/2.2.56
URL: http://jors-sj.com/article-1-36-fa.html

[DOI: 10.22034/2.2.56]